



يا ايها العزيز منا واهلنا الضرو جئنا بضعه فزجاة فاوف لنا الكليل و تصدق علينا ان الله يجزي المتصدقين.



جمهوری اسلامی ایران
نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها
دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

گرایش: مدرسی معارف اسلامی

گروه: مبانی نظری اسلام

عنوان:

حرکت و تکامل نفس در حکمت صدر

و آیات و روایات

استاد راهنما:

استاد دکتر حسن معلمی

استاد مشاور:

استاد دکتر عسکری سلیمانی امیری

نگارش:

ناصرالرضا ضیایی نیا

کلیه حقوق این پایان نامه اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس، و... برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلا مانع است.

تقدیم بہ:

علدار صبر و بصیرت.

ایمان و استقامت.

عبد صالح خدا.

مقام معظم رہبری سید علی حسینی خاندہ اہی دام ظلہ.

برخود لازم می‌دانم در همین جا به امر الهی در خصوص والدین جامه عمل پوشانیده و در حق آنها که حیات خود را مدیونشان هستم از درگاه الهی مسئلت کنم: «رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا»

باسپاس فراوان از اساتید محترمی که در طول دوره تحصیل با صبر و شکیبایی به راهنمایی و دستگیری از اینجانب پرداختند و زمینه ارتقای علمی و معنوی را فراهم کردند و با تشکر از اساتید راهنما و مشاور که در تدوین این اثر نقش اساسی را ایفا کردند و با راهنمایی‌های خود گره مجهولات این اثر را گشودند. استاد حجة الاسلام و المسلمین دکتر معلمی و جناب استاد حجة الاسلام و المسلمین دکتر سلیمانی امیری که با صبر و حوصله این اثر را با دقت بازنگری کردند.

چکیده:

واژگان کلیدی: قرآن کریم، روایات، حرکت، حرکت جوهری، تکامل، نفس، حکمت صدرایی.

ملاصدرا در حکمت متعالیه اهتمام ویژه ای به بحث نفس دارد. در این تحقیق، «حرکت و تکامل نفس» که از موضوعات مهم حکمت صدرایی به شمار می رود با آیات و روایات تطبیق داده شده است تا روشن شود آیا بین این دو تعارضی وجود دارد یا نه؟ برای این هدف ابتدا در فصل دوم مبانی نظری تحقیق مطرح شده و سپس در فصل سوم، حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرای مورد بررسی قرار گرفته است در این فصل حرکت جوهری نفس به عنوان مبنای تکامل نفس انسانی ثابت می شود و در ادامه حرکت تکاملی نفس و مراحل آن که در حرکت تکاملی طی می کند تبیین شده است. بعد از بررسی حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرای، این موضوع با آیات و روایات ائمه معصومین «علیهم صلوات الله اجمعین» در فصل چهارم تطبیق داده شده و موضوعاتی که در فصل سوم در حکمت صدرای مطرح شده بود، یک به یک در آیات و روایات نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بعد از تطبیق حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرای با آیات و روایات به این نتیجه می رسیم که موضوعاتی که در فصل سوم در حکمت صدرای مطرح شده و در فصل چهارم با آیات و روایات تطبیق داده شده نه تنها تعارضی ندارند بلکه بعضی از آیات قرآن و روایات، بر برخی از آن موضوعات دلالت دارند. و موضوعاتی مانند حرکت جوهری، حرکت جوهری نفس، مراحل تکامل نفس، موضوعاتی هستند که آیات قرآن و روایات ائمه معصومین آنها را تایید می کند. با توجه به بررسی آیات و روایات در فصل چهارم در فصل پنجم به این نتیجه می رسیم حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرای با آیات و روایات ائمه معصومین قابل انطباق است و این دو هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند. و اگر هم تعارضی مشاهده شود بدوی بوده و مستقر نمی شود.

فهرست مطالب:

۱	مقدمه:
۴	۱ فصل اول: کلیات
۴	۱.۱ بیان مسأله:
۵	۱.۲ پرسش های تحقیق:
۵	۱.۳ هدف تحقیق:
۵	۱.۴ ضرورت تحقیق:
۶	۱.۵ فرضیه های تحقیق:
۶	۱.۶ روش تحقیق:
۶	۱.۷ چارچوب تحقیق:
۷	۱.۸ پیشینه تحقیق:
۸	۲ فصل دوم: مبانی نظری تحقیق.
۸	۲.۱ تعریف نفس.
۸	۲.۱.۱ تعریف ماهوی:
۱۰	۲.۱.۲ تعریف وجودی.
۱۲	۲.۲ تجرد نفس
۱۲	۲.۳ معنای تجرد:
۱۳	۲.۳.۱ معنای تجرد نفس:
۱۳	۲.۳.۲ انواع تجرد نفس:
۱۴	۲.۴ حدوث نفس
۱۴	۲.۴.۱ پیشینه بحث:
۱۴	۲.۴.۲ اقوال در حدوث نفس:
۱۵	۲.۴.۳ برهان بر حدوث جسمانی نفس.
۱۶	۲.۵ عقل نظری و عقل عملی:
۱۷	۲.۵.۱ مراتب عقل نظری:
۱۷	۲.۵.۱.۱ مرتبه «عقل هیولانی»
۱۷	۲.۵.۱.۲ مرتبه «عقل بالملکه»

۱۷ ۲.۵.۱.۳ مرتبه «عقل بالفعل»
۱۸ ۲.۵.۱.۴ مرتبه «عقل مستفاد»
۱۸ ۲.۵.۲ مراتب عقل عملی
۱۸ ۲.۵.۲.۱ مرتبه تهذیب ظاهر
۱۸ ۲.۵.۲.۲ مرتبه تهذیب باطن
۱۸ ۲.۵.۲.۳ مرتبه تحلی نفس ناطقه به صور قدسیه
۱۸ ۲.۵.۲.۴ مرتبه فناء نفس از ذات خود و توجه تام به خدای متعال
۱۹ ۲.۶ اتحاد عاقل و معقول
۱۹ ۲.۶.۱ پیشینه بحث :
۱۹ ۲.۶.۲ مراد از اتحاد در عنوان بحث :
۲۰ ۲.۶.۳ وجودی بودن اتحاد عاقل و معقول:
۲۰ ۲.۶.۴ مراد از معقول در عنوان بحث:
۲۱ ۲.۶.۵ وجود نفسی صور ادراکی با وجود آنها برای عاقل عینیت دارد:
۲۱ ۲.۶.۶ دلیل صدر المتالهین بر اتحاد عاقل و معقول
۲۱ ۲.۶.۷ نحوه وجود حرکت :
۲۳ ۲.۶.۸ تعریف حرکت:
۲۳ ۲.۶.۸.۱ تعریف لغوی :
۲۳ ۲.۶.۸.۲ تعریف اصطلاحی :
۲۵ ۲.۶.۹ ارکان حرکت
۲۵ ۲.۶.۹.۱ فاعل «ما عنہ الحركة» و قابل «ما به الحركة»
۲۶ ۲.۶.۹.۲ مبدأ «ما منه الحركة» و منتهی «مالیه الحركة»
۲۶ ۲.۶.۹.۳ مسافت «ما فیہ الحركة» و زمان «ما علیہ الحركة»
۲۷ ۲.۷ حرکت جوهری و کون و فساد
۲۷ ۲.۷.۱ معنای جوهر:
۲۸ ۲.۷.۲ معنای حرکت جوهری :
۲۸ ۲.۷.۳ معنای کون و فساد
۳۰ ۲.۷.۳.۱ اثبات حرکت در جوهر اشیاء و نفی کون و فساد
۳۳ ۲.۷.۴ برهان بر حرکت جوهری:
۳۴ ۲.۸ نتایج فصل:

۳۵ فصل سوم: حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرایه
۳۵ ۳.۱. حرکت جوهری نفس
۳۵ ۳.۱.۱. معنای حرکت جوهری نفس
۳۵ ۳.۱.۲. امکان حرکت جوهری نفس
۴۶ ۳.۱.۳. برهان بر حرکت جوهری نفس
۴۷ ۳.۲. تکامل نفس
۴۷ ۳.۲.۱. معنای کمال و تکامل
۴۸ ۳.۲.۲. رابطه نقص و کمال و تمام
۴۸ ۳.۲.۴. نسبت اشتداد و تکامل
۴۹ ۳.۲.۴.۱. نسبت حرکت با تکامل
۵۳ ۳.۲.۵. مراتب نفس
۵۳ ۳.۲.۶. مراحل تکامل نفس
۵۳ ۳.۲.۶.۱. مرحله اول: جماد
۵۳ ۳.۲.۶.۱.۱. مقطع اول: «لاشیئت» یا «قوه هیولانی»
۵۵ ۳.۲.۶.۱.۲. مقطع دوم: صور اسطوقسی
۵۵ ۳.۲.۶.۱.۳. مقطع سوم: صور معدنی
۵۶ ۳.۲.۶.۲. مرحله دوم: نبات
۵۶ ۳.۲.۶.۳. مرحله سوم حیوان
۵۷ ۳.۲.۶.۴. مرحله چهارم انسان
۵۸ ۳.۲.۶.۴.۱. مراتب عقل نظری
۵۸ ا. عقل هیولانی «عقل منفعل»:
۵۹ ب. عقل بالملکه:
۶۰ ت. عقل بالفعل:
۶۱ ث. عقل مستفاد:
۶۲ ۳.۳. تنوع انسان
۶۳ ۳.۴. نتایج فصل:
۶۵ فصل چهارم: حرکت و تکامل نفس در آیات و روایات
۶۵ ۴.۱. معنای نفس و روح در آیات و روایات:
۶۵ ۴.۱.۱. معنای نفس در آیات:

۶۸	۴.۱.۲	معنای نفس در روایات.
۷۳	۴.۱.۳	معنای روح در آیات:
۷۸	۴.۱.۴	معنای روح در روایات:
۸۵	۴.۱.۵	نتایج بررسی معانی نفس و روح:
۸۵	۴.۲	حرکت جوهری در آیات و روایات.
۸۵	۴.۲.۱	حرکت جوهری در آیات:
۹۴	۴.۲.۲	حرکت جوهری در روایات:
۹۸	۴.۳	حرکت جوهری نفس در آیات و روایات.
۹۸	۴.۳.۱	حرکت جوهری نفس در آیات.
۱۲۵	۴.۳.۲	حرکت جوهری نفس در روایات.
۱۳۲	۴.۴	تکامل نفس در آیات و روایات:
۱۳۲	۴.۴.۱	تکامل نفس در آیات:
۱۳۲	۴.۴.۱.۱	مرحله لاشیئیت:
۱۳۳	۴.۴.۱.۲	مرحله جمادی:
۱۳۶	۴.۴.۱.۳	مرحله نباتی:
۱۳۹	۴.۴.۱.۴	مرحله حیوانی:
۱۴۳	۴.۴.۱.۵	مرحله انسانی:
۱۴۵	۴.۴.۱.۵.۱	مرتبه عقل هیولانی:
۱۴۵	۴.۴.۱.۵.۲	مرتبه عقل بالملکه:
۱۴۷	۴.۴.۱.۵.۳	عقل بالفعل:
۱۴۹	۴.۴.۱.۵.۴	عقل مستفاد:
۱۵۳	۴.۴.۲	تکامل نفس در روایات:
۱۵۳	۴.۴.۲.۱	مرتبه لاشیئیت:
۱۵۴	۴.۴.۲.۲	مرحله جمادی:
۱۵۶	۴.۴.۲.۳	مرحله نباتی:
۱۵۸	۴.۴.۲.۴	مرحله حیوانی:
۱۶۰	۴.۴.۲.۵	مرحله انسانی:
۱۶۸	۴.۴.۲.۵.۱	عقل هیولانی:
۱۷۰	۴.۴.۲.۵.۲	عقل بالملکه:

۱۷۲ عقل بالفعل: ۴.۴.۲.۵.۳
۱۷۴ عقل مستفاد: ۴.۴.۲.۵.۴
۱۸۲ تنوع انسان ۴.۵
۱۸۲ تنوع انسان در آیات: ۴.۵.۱
۱۸۶ تنوع انسان در روایات ۴.۵.۲
۱۹۳ نتایج فصل: ۴.۶
۱۹۴ فصل پنجم: خاتمه و نتیجه گیری. ۵
۱۹۷ فهرست منابع: ۶

مقدمه:

قال النبي صلى الله عليه وآله: «من عرف نفسه فقد عرف ربه»^۱

پیامبر اکرم «صلوات خدا بر او و اهل بیتش» فرمود: کسی که خود را بشناسد خدای خود را شناخته است.

و قال عليه السلام «أعرفكم بنفسه أعرّفكم بربه»^۲

و همچنین حضرت فرمودند: «آگاهترین شما به خود آگاهترین شما به پروردگارش است»

یکی از اصلی ترین راههای شناخت پروردگار عالم این است که انسان از راه آیات انفسی وارد شده و خود را مورد مطالعه قرار دهد. اهمیت این موضوع به قدری است که در روایات سفارش اکیدی به شناخت نفس شده است و امیر المؤمنین شناخت نفس را «فوز اکبر» معرفی کرده است. «نال الفوز الأكبر من ظفر بمعرفة النفس»^۳ «کسی که خود را شناخته باشد به فوز اکبر رسیده است» در حدیثی دیگر، حضرت نهایت معرفت را این

می دانند که انسان به شناخت خود برسد. «من عرف نفسه فقد انتهى إلى غاية كل معرفة و علم»^۴ «کسی که خود را شناخت در واقع به نهایت تمام شناخت ها و آگاهیها رسیده است»

۱. محمد، ابن شهر آشوب مازندرانی، *مشابه القرآن*، (بی جا، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ ه. ش.) ۲ جلد در یک مجلد، ج ۱ ص ۴۴.

۲. همان.

۳. عبدالواحد بن محمد، تمیمی آمدی، *غرر الحکم*، (قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ه. ش.) چاپ اول، یک جلد، ص ۲۳۲

۴. تمیمی آمدی، همان.

حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرا و آیات و روایات.....^۲

بنابر این اگر برای همه معرفت‌های دینی یک هرم بتوان فرض کرد معرفت نفس در رأس این هرم قرار دارد. چون افضل از همه آنها و غایت آنها به حساب می‌آید. نتیجه این معرفت نیز بسیار گرانسنگ خواهد بود زیرا انسانی که به این درجه نائل می‌شود نسبت به بسیاری از معارف دینی اشراف پیدا می‌کند و بسیاری از ارزشهای الهی از این معرفت ناشی می‌شود. ارزشهایی همچون خوف از خدا، جهاد بانفس، دوری از دنیا و ارزشهای بسیار دیگری که در صدر همه آنها شناخت خدای متعال است. با این وصف اگر کسی نسبت به شناخت خود کوتاهی ورزد و خود را نشناسد، خود را از حقیقت تمام معارف محروم ساخته است که در رأس آنها معرفت خدای متعال است. این دقیقاً همان چیزی است که امیرالمؤمنین به آن تصریح می‌کند.

«عجبت لمن یجهل نفسه کیف یعرف ربه»^۱

«تعجب می‌کنم از کسی که جاهل به خود است چگونه خدای خود را می‌شناسد.»

«من لم یعرف نفسه بعد عن سبیل النجاة و خبط فی الضلال و الجهالات»^۲

«کسی که خود را نشناسد از راه نجات دور می‌شود و در گمراهی و نادانی‌ها سقوط می‌کند»

معرفت نفس در حکمت اسلامی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و یکی از مهمترین مباحث آن به شمار می‌آید. در میان حکمای اسلامی صدرالمتألهین اهتمام ویژه‌ای به این مبحث دارد. یکی از شاهکارهای «حکمت صدرایی» نظریه «حرکت جوهری» است که براساس آن بسیاری از حقایق عالم هستی، تبیین می‌شود. صدرالمتألهین با استناد به این نظریه، مراحل تکاملی نفس را از ماده جسمانی تا مرتبه فوق عقل مطرح می‌کند و بسیاری از معضلاتی که حکمای قبل از او در آن ره به جایی نبرده اند را گره‌گشایی می‌کند. وی با این ابتکارات و تبیین عقلانی آن، نگرش جدیدی نسبت به جهان و انسان مطرح کرده است که درخور تحسین و ستایش است.

اما در این میان سؤالاتی است که گاهی ذهن برخی را به خود مشغول می‌کند و البته منشأ این سؤالات نیز شبهاتی است که در خصوص میزان انطباق مباحث فلسفی با آیات و روایات مطرح بوده است. سؤالاتی از این قبیل که:

۱. تمیمی آمدی، همان، ص ۲۳۳

۲. همان.

آیا آیات و روایات ائمه معصومین نوآوری‌ها و ابتکارات ملاصدرا را تایید می‌کنند یا صدرالمتألهین در این ابتکارات و نوآوری‌ها به یک راه رفته و آیات و روایات ائمه معصومین به راه دیگر؟

به عبارت دیگر آیا ابتکارات و نوآوری‌های ملاصدرا که با تبیین عقلانی همراه است با نقل نیز سازگار است؟

این سوالات، همگی ناشی از این شبهه است که حکمت متعالیه صدرالمتألهین با آیات و روایات ائمه معصومین تعارض دارد و هر یک در جهان بینی خود راهی را جدای از دیگری می‌پیماید.

آنچه این تحقیق در صدد آن است این است که یکی از موضوعات مهم حکمت متعالیه صدرالمتألهین را با عنوان «حرکت و تکامل نفس» انتخاب کرده و به اندازه‌ای که در خور این تحقیق است به تبیین آن و مبانی نظری مؤثر در آن بپردازد و سپس این موضوع را با توجه به مبانی نظری آن در آیات و روایات بررسی کرده و میزان تعارض یا تطابق آن با آیات و روایات را به دست آورد.

تذکر این نکته نیز در خصوص ترجمه آیات لازم است که سعی شده است ترجمه با معنای آیه انطباق داشته باشد لذا غالباً از ترجمه‌های معتبری همچون ترجمه حضرت آیه الله مکارم شیرازی استفاده شده و در مواردی نیز ترجمه آیات توسط نگارنده صورت گرفته است.

۱ فصل اول: کلیات

۱.۱ بیان مسأله:

یکی از مباحثی که در آیات و روایات ائمه معصومین، اهتمام ویژه ای به آن شده است، بحث نفس است. از طرفی همین مبحث نیز از جایگاه ویژه ای در حکمت متعالیه برخوردار است و صدرالمتالهین توجه خاصی به این مبحث دارد. بنابراین مبحث نفس، در دو بعد مورد بررسی قرار گرفته است یکی در بعد نقلی و دیگری در بعد عقلی. یکی از موضوعاتی که در مبحث نفس از اهمیت خاصی برخوردار است مسأله حرکت و تکامل نفس است که هم در آیات و روایات ائمه معصومین مورد توجه قرار گرفته است و هم ملاصدرا در حکمت متعالیه به آن پرداخته است. در خصوص این موضوع، مسائلی وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد:

۱. آیا نفس مجرد که در حکمت متعالیه به آن تصریح شده و آیات و روایات بر آن دلالت دارد، متحرک است؟

۲. تکامل نفس از دیدگاه صدرالمتالهین چگونه تبیین می شود و چه مراحل دارد؟

۳. حرکت و تکامل نفس که در حکمت متعالیه مطرح شده است تا چه اندازه مورد تایید آیات و روایات ائمه معصومین است؟

۱.۲ پرسش های تحقیق:

چند پرسش اساسی در این تحقیق وجود دارد.

۱. آیا جوهر نفس مجرد، متحرک است و تکامل می پذیرد؟

۲. نفس مجرد در تکامل خود چه مراحل را طی می کند؟

۴. آیا آیات و روایات، مراحل تکامل نفس را که ملاصدرا در حکمت متعالیه خود مطرح کرده است تایید می کنند؟

۱.۳ هدف تحقیق:

باتوجه به روایات ائمه معصومین در خصوص اهمیت معرفت نفس، این تحقیق دو هدف عمده را دنبال می کند:

۱. تبیین عقلی و نقلی حرکت و تکامل نفس باتوجه به حکمت ملاصدرا و آیات و روایات.

۲. بررسی میزان تطابق یا تعارض حرکت و تکامل نفس در حکمت ملاصدرا با آیات و روایات.

۱.۴ ضرورت تحقیق:

روایات ائمه معصومین بر این نکته تاکید دارند که معرفت نفس یکی از سودمندترین معارف بشری و برترین آنها است. امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی به این حقیقت اشاره می کند و می فرماید «معرفة النفس أنفع المعارف»^۱ «معرفت نفس سودمندترین معرفت هاست» همچنین در قرآن کریم نیز یکی از راههای اصلی شناخت خدا، شناخت نفس دانسته شده است چنانکه در این آیه به آن اشاره شده است: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»^۲ «و در زمین آیاتی برای اهل یقین است، و در وجود خود شما (نیز آیاتی است) آیا نمی بینید؟!» نتیجه قطعی معرفت نفس نیز معرفت پروردگار عالم است همانطور که رسول خدا «صلی الله علیه و آله» به این واقعیت

۱. تمیمی آمدی، همان، ص ۲۳۲

۲. سوره ذاریات، آیه ۲۰ و ۲۱

حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرا و آیات و روایات.....^۶

تصریح می کند. «من عرف نفسه فقد عرف ربه»^۱ «کسی که خود را شناخت، به تحقیق که خدای خود را شناخته است» با توجه به این روایات، ضرورت شناخت نفس روشن می شود. این تحقیق نیز با توجه به این ضرورت، بحث حرکت و تکامل نفس انسانی را در حکمت صدرا و آیات و روایات مورد بررسی قرار داده است تا اولاً معرفت صحیحی را از حرکت و تکامل نفس ارائه دهد و ثانیاً به برخی شبهاتی که در زمینه حکمت ملاصدرا و تطابق آن با آیات و روایات مطرح شده پاسخ دهد.

۱.۵ فرضیه های تحقیق:

۱. فرضیه اول این است که جوهر نفس انسانی حقیقتی متحرک است.
۲. نفس انسانی بر اساس حرکت جوهری تکامل پیدا می کند و مراحل تکامل نفس عبارتند از مرحله جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی.
۳. حرکت و تکامل نفس که در حکمت ملاصدرا آمده، با آیات و روایات تعارضی نداشته بلکه مورد تایید آنها است.

۱.۶ روش تحقیق:

در این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و در تحلیل و بررسی از روش عقلی استفاده شده است.

۱.۷ چارچوب تحقیق:

۱. مقدمه
۲. فصل اول: کلیات، شامل بیان مسأله، پرسش های تحقیق، هدف تحقیق، ضرورت تحقیق، فرضیه تحقیق، روش تحقیق، چارچوب تحقیق، پیشینه تحقیق.

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، همان.

۳. فصل دوم: مبانی نظری، شامل تعریف نفس، مجرد نفس، حدوث نفس، عقل نظری و عقل عملی، اتحاد عاقل و معقول، نحوه وجود حرکت، حرکت جوهری و کون و فساد، برهان بر حرکت جوهری.

۴. فصل سوم: حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرای.

۵. فصل چهارم: حرکت و تکامل نفس در آیات و روایات.

۶. فصل پنجم: خاتمه و نتیجه گیری

۱.۸ پیشینه تحقیق:

تاکنون کتاب یا مقاله ای با عنوان حرکت و تکامل نفس در حکمت صدرای آیات و روایات یافت نشده، اما در برخی کتب فلسفی بصورت غیر منسجم به آن پرداخته شده است که می توان به کتب ذیل در این خصوص اشاره کرد.

صدرالدین شیرازی، محمد، الاسفار الاربعه ، ج ۸ و ۹ و دیگر کتب فلسفی ایشان

حسن زاده آملی ، حسن، عیون مسائل النفس و شرح العیون فی شرح العیون. همچنین در دیگر کتب فلسفی ایشان .

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ذیل آیاتی که در مورد خلقت انسان آمده است.

۲ فصل دوم: مبانی نظری تحقیق.

۲.۱ تعریف نفس.

۲.۱.۱ تعریف ماهوی :

صدرالمتألهین نفس را در مقام تعریف ماهوی اینگونه تعریف می کند : «کمال اول لجسم طبیعی آلی ذی حیوه بالقوه من جهة ما یدرک الامور الکلیه و یفعل الاعمال الفکریه»^۱

توضیح قیود این تعریف به این شرح است :

قید اول : «کمال» که در این تعریف جنس و یا بمنزله جنس است و شامل کمال اول و ثانی می شود .

قید دوم : «اول» این قید فصل اول جنس کمال یا بمنزله آن است و کمال ثانی را از تعریف خارج می کند . توضیح اینکه کمال دو نوع است :

۱. کمال اول : که نوعیت نوع به آن وابسته است.

۲. کمال ثانی : به کمالی که به دنبال نوعیت یک شیء و فعل و انفعالاتی که بعد از نوعیت شیء بر آن مترتب می شود گفته می شود. صدرالمتألهین برای این فعل و انفعالات به قطع کردن درمورد شمشیر و احساس

۱. محمد، صدرالدین شیرازی، الشواهد الربوبیه، مشهد، مرکز الجامعی للنشر، ۱۳۶۰ ه.ش. چاپ ۲ ص ۱۹۹

و حرکت ارادی در مورد انسان مثال می زند و تذکر می دهد این فعل و انفعالات دخیلی در نوعیت نوع ندارد بلکه همینکه مبدأ این فعل و انفعالات برای نوع حاصل شود کافی است. به اینگونه موارد کمال ثانوی می گویند یعنی نوع برای اینکه نوع بالفعل شود به این فعل و انفعالات وابسته نیست.^۱

بنابراین معنای کمال اول بودن نفس این است که نوعیت نوع انسانی وابسته به آن است و با فقدان آن دیگر نوعیت نوع انسانی از بین می رود.

قید سوم: «جسم طبیعی» فصل دوم برای کمال است که جسم صناعی را خارج می کند. در فلسفه از یک نگاه اجسام موجود در خارج را دو دسته می کنند:

۱. جسم صناعی: به جسمی اطلاق می شود که دارای صورت طبیعی وحدت بخش اجزاء خود نیست بلکه بواسطه عامل خارجی واجد صورت و شکل خاصی شده است مثل صندلی و...

۲. جسم طبیعی: اگر جسمی دارای یک ماهیت نوعی حقیقی و یک صورت طبیعی باشد جسم طبیعی

خوانده می شود مانند انواع گیاهان، حیوانات و انسان. بنابراین کمال اول بودن نفس اختصاص به اجسام طبیعی دارد و شامل اجسام صناعی نمی شود.^۲

نکته: مراد از «جسم» که در این تعریف آمده جسم به معنای جنسی است. یعنی «جسم لابشرط» مراد است نه جسم به معنای مادی که «جسم به شرط لا» به آن اطلاق می شود. صدرالمتألهین با بیان این نکته متذکر می شود که تفاوت قائل نشدن بین این دو معنی باعث شده گروهی از حکما همچون شیخ اشراق گمان کنند که حیات حیوانات عارض بر اجساد آنها می شود به نوع عرض غریب و تمام اجسام چه جسم موجودات زنده و چه غیر آن همگی ظلمانی هستند و هیچ اثری از حیات در آنها نیست. صدرا با رد این ادعا جسم را جنس حیوان می داند و معتقد است حیوان نوع مخصوصی از جسم مطلق لابشرط است که حتی اطلاق نیز قید آن نیست. طبق این ایده صدرا نتیجه می گیرد که بعضی از اجسام «بما هو جسم» حیوان هستند و هر حیوانی هم بالذات حیات دارد. بنابراین بعضی اجسام بالذات حیات دارد که از دیدگاه صدرا نتیجه این

۱. صدرالدین شیرازی، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، (بیروت، دار احیاء التراث، ۱۹۸۱م) چاپ سوم، ۹ جلد، ج ۸ ص

۲. محمد تقی، مصباح یزدی، شرح جلد هشتم *الاسفار الاربعة* (قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۵ ه. ش) چاپ